



نمی توانستند عرض اندام کنند و در سینما هم فیلم‌ها خیلی محدود بود اما در حال حاضر در شبکه نمایش خانگی تا دلتان بخواهد سریال وجود دارد و هنرمندان جذب آن می‌شوند. حتی خیلی از این افراد می‌توانند در خود فضای مجازی برنامه‌سازی کنند و دیگر تلویزیون آن دست بالا و دست برتر را ندارد. علت دیگر این است که خیلی از هنرمندان شاید به دلیل دلخوری و یا برای مثال مسائل مالی که شاهدش بوده‌اند، در شبکه نمایش خانگی راحت‌تر و با فراغ بال بیشتر و با بحث‌های مالی پررنگ‌تر کار میکنند. علت دیگر این است که مردم با برنامه‌ها و سریال‌های روز دنیا از طریق اینترنت آشنا می‌شوند و وقتی برنامه‌ای مثل «عصر جدید» را می‌بینند، متوجه می‌شوند که این برنامه طرح یک مسابقه مطرح امریکایی است. مخاطب به اصل جنس دسترسی دارد و مثل قبل نیست که هر چه تلویزیون پخش کند، او باید ببیند. به همین خاطر برنامه‌سازی‌های ما دچار افت شده‌است.



همیشه این بحث ممیزی که من به آن چارچوب تلویزیون می‌گویم وجود داشته و هیچوقت هم خط و ربط مشخصی نداشته است. برای مثال ما در یک برنامه میبینیم که موسیقی نواخته میشود و خواننده می‌آید اما در شبکه دیگر اجازه ندارد

در جهان چون به لحاظ اجرا محدودیت‌های مختلفی وجود ندارد، دستشان خیلی بازتر است و برنامه‌های جذابی از آب در می‌آید. ما وقتی می‌خواهیم آن‌ها را در کشور خودمان پیاده کنیم، به دلایل مختلفی اعم از فرهنگی، شرع و قانونی که کشور ما دارد، برنامه به آن جذابیت نمی‌شود. برای مثال در برنامه‌های تاک شوی کشورهای دیگر هنرمندان و چهره‌های شناخته شده به مراتب راحت‌تر از هنرمندان ما هستند؛ به همین دلیل تاک شوهای خارجی بسیار جذاب می‌شود اما در اینجا تبدیل به یک برنامه گفت‌وگو محور می‌شود؛ یعنی میهمان راجع به خودش صحبت می‌کند و بعد از مدتی آن جذابیت را برای مخاطب ندارد. به نظر من مجموع این دلایل چه در حوزه برنامه‌سازی و چه در حوزه مسابقه و سریال‌سازی باعث شده تا تلویزیون روز به روز دچار کمبود مخاطب و کمبود اثرگذاری شود. این افت هم برخلاف نظر عده‌ای هیچ ارتباطی به کرونا ندارد. این یک روند دو، سه ماهه و یا یک ساله نیست. به نظر من یک روند شش، هفت ساله است که در این روزها خودش را خیلی بیشتر نشان می‌دهد. کرونا هیچ تأثیری در برنامه و سریال‌سازی ندارد، کما اینکه به دلایل مختلف می‌توانست کمک هم کند.

مخاطب جدا از فرم (فرم به معنی ساختار؛ یعنی اینکه استودیو، کارگردان و مجری وجود داشته باشد)، همیشه به دنبال این است که چه محتوایی ارائه می‌دهیم. بسیاری از لایوهای دو نفره که به دلیل کرونا در فضای مجازی پیش آمد، برای مخاطبان جذاب بود؛ چرا که می‌دیدند افراد خیلی راحت‌تر با هم صحبت می‌کنند و آن خشک و رسمی بودن که در تلویزیون به دلیل قواعد ساختاری آن وجود دارد در این لایوهای دو نفره نیست و مخاطب بیشتر جذب آن شد. در واقع می‌خواهم بگویم این مساله نشان داد بسیاری از گفت‌وگوهایی که ما در تلویزیون می‌بینیم خیلی راحت‌تر و با جذابیت و مخاطب بیشتر می‌تواند در فضای مجازی پیگیری شوند و اصلاً نیازی به آن تشکیلات نیست. به نظر من این مساله یکی از اتفاقاتی بود که کرونا رقم زد و نشان داد که برنامه‌سازی‌های ما چقدر توخالی و بدون ایده شده است.

خطوط قرمز باید برای همه برنامه‌سازها روشن باشد

بحث ممیزی که من به آن چارچوب تلویزیون می‌گویم هم تأثیرگذار است و وجود دارد. به هر حال تلویزیون و رسانه ملی ساختاری دارد که متفاوت با ساختار غیررسمی یعنی فضای مجازی، ماهواره، یا رسانه‌های دیگر است. تلویزیون به دلیل شیوه حکومتی بودنش (در اینجا حکومتی را به معنای منفی آن نمی‌گویم منظور این است که متولی این تلویزیون حاکمیت است) قاعدتاً یک چارچوبی دارد که نمی‌تواند آنقدر راحت به همه موضوعات ورود کند. به طور مثال برای دعوت از میهمان‌ها و ورود به یک سری مباحث، دستش خیلی باز نیست و سال‌هاست که ساختار تلویزیون به این شکل بوده و به دلایل مدیریتی دوز آن پررنگ و کمتر می‌شود. به عنوان مثال یک مدیر بعضی مواقع کوتاه می‌آید و مدیر دیگر سخت می‌گرفته است اما همیشه این بحث ممیزی که من به آن چارچوب تلویزیون می‌گویم وجود داشته و هیچوقت هم خط و ربط مشخصی نداشته است. برای مثال ما در یک برنامه می‌بینیم که موسیقی نواخته می‌شود و خواننده می‌آید اما در شبکه دیگر اجازه

نمی‌دهند و یا در یک شبکه میهمانی می‌آید که در شبکه دیگر به او اجازه نمی‌دهند. گاهی اوقات به یک سری از اشخاص اجازه نمی‌دهند که به تلویزیون وارد شوند و حتی راجع به آن‌ها حرف زده شود، کسانی که حتی شاید برای مردم شناخته شده باشند و موارد دیگری که همگی جزو چارچوب‌های تلویزیون است که واقعا نانوشته هستند. گاهی این تصور پیش می‌آید که خود مدیران تلویزیون هم شاید کلیه چارچوب‌ها را دقیقاً نمی‌دانند ولی بعضی مدیران دست‌شان بازتر است و بعضی هم به دلیل ایجاد حاشیه یا چنین مسائلی سمت هیچ خطی نمی‌روند و خنثی عمل می‌کنند.

نقش موثر تهیه‌کننده خلاق

من می‌گویم که این مساله وجود داشته، دارد و نمی‌شود با آن کاری کرد ولی نکته مهم‌تر این است که ما در همین چارچوب و ساختار، برنامه‌های بسیار خوبی داشته‌ایم که به این مسائل کاری نداشته‌اند و شاید به ندرت به آن‌ها ممیزی‌هایی وارد شده اما برنامه‌ساز ساختار را طوری چیده که همیشه توانسته موفق باشد. اگر بخواهم به نمونه‌های موفق اشاره کنم تعدادشان زیاد است و «نود» و «ماه غسل» از آن جمله هستند. در گذشته هم برنامه‌های بسیاری را داشته‌ایم که در همین چارچوب توانسته‌اند مخاطب خوبی را جذب کنند. نمی‌خواهم منکر چارچوب خشک و رسمی تلویزیون بشوم اما ما در همین چارچوب هم برنامه‌هایی را داشته‌ایم که توانسته‌اند بسیار موفق عمل کنند و مخاطبان بسیار زیاد و وسیعی از همه‌ی طیف‌ها داشته باشند. پس به نظر من نقش برنامه‌سازی و ایده خوب، یعنی نقش تهیه‌کننده پر ایده، باهوش و کارکشته خیلی پررنگ‌تر است تا اینکه بگوییم تلویزیون نگذاشت ما کارمان را بکنیم. اگر اینطور باشد همه می‌توانند بگویند که ما می‌خواهیم این برنامه را بسازیم و تلویزیون نمی‌گذارد. به نظر من کسی باهوش است که بتواند در همین فضا برنامه باکیفیتی ارائه دهد.

دست‌بسته خانم‌ها در تلویزیون

اگر بخواهیم تناسب هم بگیریم به هر حال زنان در دنیا و در همه زمینه‌ها نصف بیشتری